



سموود راگان و هوشنگ توکلی در صحنه‌ای از فیلم «زادبوم» عکس: علی نیک‌رنگار

## نگاهی به فیلم «زادبوم» وقتی مخالف، همراه می‌شود

فیلم خوب لزوماً فیلم بی نقص نیست. فیلمی است که وجوه قوت آن بر ضعف‌هایش می‌چربد. فیلم بد هم لزوماً فیلم سرپایا نقص نیست. فیلمی است که نقایضش از محاسنش بیشتر است. اگر این را نپذیریم به ایرادهای جزئی حفظ راکورد صحنه در شاهکارهای تاریخ سینما هم می‌شود گیر داد و آنها را از ارزش و اعتبار ساقط کرد و یا برآشت از این‌که کسی بگوید فیلم‌های الخاندرو گونزالس ایناربتو در مجموع فیلم‌های خوبی نیستند و متظاهرند. ضعف‌های «زادبوم» مربوط می‌شود به برخی دیالوگ‌های شخصیت‌های فیلم که بی‌منطق نیست اما بر منطق دقیق و بی‌چون و چرایی هم استوار نیست. مثلاً وقتی شخصیت‌ها به بهانه‌های مختلف از گذشته‌شان می‌گویند تا ما را از این گذشته آگاه کنند ممکن است با خود بگویم این بهانه برای بازگو کردن این گذشته کافی نبود. آدم‌ها در عالم واقع تودراتر از این حرف‌ها هستند. تماشاگر دوست دارد هر آنچه را می‌بیند باور کند و بعضی از این قبیل ضعف‌ها مانع همراه شدن او با شخصیت‌ها هستند. اگر قرار باشد یک نمونه اطلاع دهی خوب دیالوگ را مثال بزینم و راه دوری هم نرویم می‌توانیم به فیلمنامه «صداها» از سعید عقیقی اشاره کنیم؛ وقتی شخصیت دختر فیلم در قالب کتاب‌های که به مادرش می‌زند به بهترین شکل ما را از گذشته خودش آگاه می‌کند. این مثال را آوردیم در ادامه همان ادعای نخست، چراکه فیلمی مثل «صداها» هم با همه این بی‌نقصی‌های آگاهانه‌اش در مجموع فیلم خوبی نیست، به همین دلیل که بیش از حد ریاضی‌گونه و خشک است و از یکی از مهم‌ترین وجوه آفرینش اثر هنری یعنی دمدین روح در اثر بی‌بهره است. حال آن‌که زادبوم این‌گونه نیست. پیداست فیلمنامه‌اش با عشق به داستان و همراهی نویسنده با شخصیت‌ها نگاشته شده و فیلمنامه‌نویس در حین نوشتن، همزمان هم نویسنده و هم منتقد نبوده است. حرفی که می‌زند از دل عواملش درآمده و لاجرم بر دل می‌نشیند. مهم نیست چه ضعف‌های ریز و درشتی دارد. مهم این است که جذاب، دیدنی، شکیل، آبرومند و دلنشین است و مخاطبش را وامی‌دارد حتی اگر با موضع سازنده مخالف است فیلم را تا آخر از موضع تماشاگر - و نه منتقد - ببیند و پس از لذت بردن از تماشای فیلمی که شایستگی نمایش داده شدن روی پرده سینما - و نه فقط مانیتور و تلویزیون - را دارد، آزادانه هرچه خواست در نگوهدش فیلم و سازندگانش بگوید. در موفقیت «زادبوم» همین مهم بس.

آزاد جعفری

حوصله اداره عوامل متعدد و تحمل سختی‌های فرآیند عملی فیلم‌سازی و وسواس به خرج دادن برای درست گرفتن پلان به پلان فیلم سینمایی را ندارد شاید داستان‌نویس خوبی هم باشد اما فیلمساز خوبی نیست. مهم‌ترین ویژگی «زادبوم» همین است که به ما می‌قبولاند داریم نتیجه تلاش قابل قبول عواملی را مشاهده می‌کنیم که به معنای واقعی، فیلم ساخته‌اند نه این‌که با روش غلط مرسوم در سینمای ایران، بدون توجه به معیارهای زیبایی‌شناختی جهانی - و درست - نماهایی را با دوربین، ضبط و با تدوین به هم چسبانده باشند. از همین جنس است آنچه مقابل دوربین فیلم داوودی رخ می‌دهد و بازی‌هایی که بازیگران فیلم با دقت بسیار بالا ارائه می‌دهند. گمان نمی‌کنم کسی با این بخش قضیه مشکلی داشته باشد و منکر قابلیت‌های تکنیکی فیلم باشد. گویا فیلمنامه محل بحث است.

آیا فیلمنامه «زادبوم» سفارشی است؟ فیلمنامه سفارشی چیست؟ و آیا هر چه سفارشی بود بد است؟ اگر

**درست است که فیلم می‌خواهد پیام بدهد و اتفاقاً قصد دارد حرف‌های مهم و بزرگ هم بزند اما همین ارزش او را بالاتر می‌برد که توانسته از این آزمون سخت در حد قابل قبولی سربلند بیرون بیاید**

فیلمسازی به آنچه اعتقاد دارد بپردازد و از قضا اعتقاد او مخالف قدرت حاکم نباشد و تا اندازه‌ای هم موافق آن به نظر برسد، کار او سفارشی است؟ اگر فیلمساز به سفارش مخالفین و نه بر مبنای اعتقادات خودش، مخالف‌خوانی کند آن وقت کارش سفارشی نیست؟ اگر از ما بخواهند درباره اصول انسانی و اخلاقی که خودمان هم به آنها اعتقاد داریم فیلم بسازیم و شرایط ساخت این فیلم را برآیمان فراهم کنند و ما بپذیریم، قبول این سفارش مذموم است؟ وقتی داوودی می‌گوید «این فیلم دکترین من در سینماست» آیا به این معنا نیست که هرآنچه در این فیلم گفته مبتنی بر اعتقاد قلبی خودش است؟ توضیح بیشتر لازم نیست. همین سؤال‌ها برای روشن نمودن قضیه کافی است.

«زادبوم» از بهترین‌های جشنواره امسال بود. مخالفان درباره‌اش نوشته‌اند: «فیلم سفارشی بدی است با شعارهای سیاسی، اخلاقی، باسماهی و فریبکار اما اینها که فقط ادعاست. البته «زادبوم» شاهکار نیست و بالطبع بی‌نقص هم نیست اما این اوصاف کلی و منتقدانه هم به آن نمی‌چسبد. درست است که فیلم می‌خواهد پیام بدهد و اتفاقاً قصد دارد حرف‌های مهم و بزرگ هم بزند اما همین ارزش او را بالاتر می‌برد که توانسته از این آزمون سخت در حد قابل قبولی سربلند بیرون بیاید. در زمانهای که بازی‌های سیاسی از اصول اساسی هم مهم‌تر شده‌اند اگر کسی حرف بی‌طرف بزند متهم می‌شود به سفارشی‌ساز و محافظه‌کار و فریب‌کار. اتفاقاً ویژگی مهم این آخرین فیلم «ابوالحسن داوودی» که خیلی بهتر از فیلم‌های قبلی اوست همین بی‌طرفی سیاسی‌اش است. خود داوودی هم در مصاحبه‌هایش بر این موضوع تأکید بسیار کرده است. وقتی می‌خواهی بی‌طرف باشی باید از هر دو طرف انتقاد کنی و محاسن هر دو طرف را هم ببینی. خوب البته خیلی‌ها ترجیح می‌دهند تحسین نشوند؛ وقتی این تحسین در کنارش نقد هم باشد!

اما چرا زادبوم فیلم خوبی است، ما که دیگر نمی‌خواهیم فقط ادعا کرده باشیم. پس بپردازیم به خود فیلم.

طرح اولیه فیلم داستان زندگی لاک‌پشت‌هایی است که پس از به دنیا آمدن به دریا می‌زنند و پس از سی سال برای تخم‌گذاری به زادگاه خودشان برمی‌گردند. این داستان مقارن با داستان زندگی سه نسل از یک خانواده از هم پاشیده است که به هر دلیل از زادگاه خود دور شده‌اند با این تفاوت که قانون زندگی‌شان قانون زندگی لاک‌پشت‌ها نیست...

این ایده اصلی آن قدر بکر و جذاب هست که نشود در جا برجسب شعار و پیام بر آن زد حال آن‌که طرح داستانی خیلی از بهترین فیلم‌های تاریخ سینما را هم اگر در چند سطر بنویسیم بیش از آن‌که جذاب باشد آزاردهنده و کلیشه‌ای به نظر می‌رسد چراکه داستان‌گویی اساساً هنر پرداخت است و قابلیت دیدن جزئیات و توجه خاص به آنها نه کلیات. پس تا اینجای کار که به ذهن خلاق رضا میرکریمی برمی‌گردد بهترین گزینه، سکوت به نشانه تحسین است، اما تفصیل داستان و قصه‌ای که آن را در طول ۱۲۰ دقیقه آن هم پس از حذف‌های بسیار به عنوان فیلم سینمایی «زادبوم» مشاهده می‌کنیم:

داستان‌گویی سینمایی اقتضانات خاص خود را دارد. فیلم ساختن از جنس داستان نوشتن نیست. کسی که

سلام به تمامی شما دوستان و خوانندگان عزیز قاب کوچک، بخصوص همراهان همیشگی ستون بازتاب. از این‌که توفیق پیدا کردیم تا بار دیگر از طریق ستون بازتاب در خدمت شما خوبان باشیم، خدا را شاکریم. ستون این هفته را با مطلبی از آقای رضا قوچانی با عنوان «فتیله جمعه تعطیله» آغاز می‌کنیم: «گرچه من خردسال نیستم و این روزها دوران جوانی خودم را سپری می‌کنم، ولی باید به جرات بگویم که برنامه دیدنی و زیبایی فتیله جمعه تعطیله را نگاه می‌کنم. نمی‌دانم چه فضایی در این برنامه حکمفرمات که سبب می‌گردد تا بسیاری از بزرگ‌ترها هم این برنامه را ببینند. بی‌شک نوع اجرا و محتوای غنی و در عین حال فضای مفرح این برنامه یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت آن است.» «درخشش صدا و سیما در دهه فجر» عنوان مطلبی از خانم ندا قناعت‌زاده از کرمان است. ایشان ضمن تقدیر از شبکه‌های گوناگون تلویزیون، درباره ویژه‌برنامه‌های دهه فجر نوشته‌اند: «بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی و مستندی که امسال از شبکه‌های گوناگون پخش شد توانست حال و هوای خاصی را به این روزهای مبارک بدهد. واقعا صداسیما در این روزها زحمت کشید و توانست ابعاد گوناگونی از انقلاب را بیان نماید.» در مورد برنامه‌های دهه فجر آقای رسول عسگری از تهران از برنامه‌های انقلاب حسینی، حماسه جاوید و این شب‌ها تقدیر کرده و نوشته‌اند: «برنامه‌های نظیر حماسه جاوید که به روند سی‌ساله انقلاب پرداخت نتوانست نظر بسیاری از مخاطبان را به خود جلب نماید. محتوا و موضوعات خاص در این مستند روایی، بدون یکنواختی و تکرار بود و با داستان روان، بسیاری از حوادث انقلاب را طرح نمود.» خانم فروزان قدیمی‌فر از شیراز با ارسال نامه‌ای با عنوان «توب طلایی بسیار طلایی است ضمن تقدیر از سازندگان این برنامه نوشته‌اند: «توب طلایی که هر شب از شبکه دوم سیما پخش می‌شود با رویکرد متفاوتی به فوتبال توانسته ضمن تقدیر از بهترین‌های فوتبال کشورمان در طول هر هفته کمی از حاشیه همیشگی فوتبال بکاهد و کمک شایانی به پیشبرد اهداف این ورزش نماید از این روی بسیار موفق ظاهر گشته.» خانم بهارک بادکوبه با ارسال نامه‌ای ضمن انتقاد از برنامه به خانه برمی‌گردیم از روند تکراری این برنامه گلگه کرده و نوشته‌اند: «به خانه برمی‌گردیم گویا نیاست هیچ‌گاه خانه را ترک یا خانه‌تکانی کند؛ همان تکرارهای همیشگی دو مجری، چند کارشناس و نهایتاً یک آشپزی ماحصل این برنامه است. یا خود را کمی با توجه به فضا و نیاز مخاطب بهتر از این برنامه‌سازی نمود و آیا نمی‌شود با سلیقه مخاطبان همراه ساخت»

آقای سیدجلیل موسوی از تهران از قاب کوچک درخواست کرده‌اند تا گفتگوی ویژه‌ای با استاد جمشید مشایخی تنظیم نماید. خانم سودابه عسگریان از دماوند با ارسال نامه‌ای ضمن تشکر از برنامه «صبح عالی بخیر» نوشته‌اند: صبح عالی بخیر که جایگزین برنامه «صبح بخیر ایران» شده توانسته جایگاه خاصی پیدا کند، بخصوص اجرای آقای میلانی که با اطلاعات خاص خود باعث ارتقای سطح محتوایی این برنامه نیز گشته‌اند. آقای سیدامیررضا علوی از قاب کوچک درخواست کرده‌اند تا مصاحبه اختصاصی با آقای علی درستکار، مجری برنامه «این شب‌ها» تنظیم نماید که البته این کار اخیراً انجام شده بود و خوانندگان شاهد آن بودند. دوستان و خوانندگان قاب کوچک، افتخار ما همراهی با شما خوبان است صندوق پستی ۴۶۳۳ - ۱۹۳۹۵ و پست الکترونیکی hakjamejamonlin.ir - hhabekooc: در طول هفته آماده دریافت انتقادات، پیشنهادات و نقطه نظرات شما خوبان در خصوص برنامه‌های گوناگون صدا و سیما، فیلم‌های سینمایی در حال اکران و ویژه‌نامه قاب کوچک می‌باشد. تا هفته آینده و سلامی دیگر، خدانگهدار.